گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۶۷۶۴
جمعه ۲۷ خرداد ۱۴۰۱ ۱۵:۲۲

در اختتامیه دهمین جشنواره فیلم کوتاه شیراز؛

کیانوش عیاری: دلم برای سینمای شیراز می سوزد

دیروز عصر در زمان برگزاری اختتامیه ی جشنواره فیلم کوتاه شیراز، در ابتدا کیانوش عیاری پشت تریبون رفته و چنین گفت: نگرانم، من واقعا نگرانم اقای موسویان نژاد (معاونت هنری و سینمایی فرهنگ و ارشاد فارس)

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، دیروز عصر در زمان برگزاری اختتامیه ی جشنواره فیلم کوتاه شیراز، در ابتدا کیانوش عیاری پشت تریبون رفته و چنین گفت: نگرانم، من واقعا نگرانم اقای موسویان نژاد (معاونت هنری و سینمایی فرهنگ و ارشاد فارس)
نمیدونم چه اتفاقی افتاده! از سال های قبل هیچ خبری ندارم . امروز وقتی اومدم اینجا دیدم این جمعیت رو که البته نمیشه از کلمه جمعیت استفاده کرد، این گروه اندک دوستان شیرازی رو که دیدم دچار وحشت شدم و هنوز خبر ندارم که سال گذشته و سال های قبل تر به چه صورت بوده، آیا به این شکل بوده؟ و یا به تدریج به این روز افتاده؟
عیّاری ادامه داد: از وقتی که هجده نوزده سالم بود خیلی جشنواره های فیلم کوتاه توی سرتاسر ایران حضور داشتم و این اولین باره که با چنین اتفاقی روبرو میشم .
بدون در نظر گرفتن سالن بالا فکر میکنم نزدیک به هفتصد صندلی در سالن پایین هست و یک دهم این سالن به زور پرُ شده.
بسیار غم انگیزه، من به رسم ادب نیست که این حرف رو میزنم به رسم دلسوختگی و دلسوزی هم نیست شگفت انگیزه برام که شیراز که پایتخت هنر ایران چرا اینچنین در ارتباط با اختتامیه فستیوال فیلم کوتاه باید خموده باشد؟ نزدیک به چهل نفر در بخش های انیمیشن داستانی و مستند در این جشنواره فیلم داشتند که مشخص هست بخش اعظم از این دوستان رو هم تشکیل می دهند.
پس مردم شیراز کجا هستند؟ من نمیخوام از شما دوستانی که تشریف اوردید گله کنم، من میخوام ناراحتیم رو بهتون بگم. ناراحتی من جدیه. احساس میکنم یک چیزی در حال فروپاشیه .
با درود و عرض ادب و احترام خدمت کیانوش عیاری، فیلمساز کهنه کار، فهیم و البته دغدغه مند و دلسوز اهوازی.
جناب عیّاری ما همگان واقفیم که شما هم به مانند ما نگران و دلواپس سینمای بی رمق و کم فروغ استان پنهاور و هنرخیز فارس و بالاخص شهر شیراز هستید .
عیّاری عزیز، بگذارید تا سفره ی ایرانی دل را برایتان باز کرده و مختصراً به عرضتان برسانم چه اتفاقی افتاده که به این روزگار محجوریت و فلاکت دچار آمده ایم، روزگاری که به ندرت عیّاران و جوانمردان در سینما به چشم می آیند .
حال و احوال امروز سینمای شیراز نتیجه ی کاشت های مدیریتی غلط، بی تدبیرانه، امیدکُشانه و ناشیانه ی دوره های قبل است، کاشتِ انحصار، سودای مقام اداری، زد و بند و لابی گری و بازکاشتِ ابتذال، قُلدری، غرض ورزی و وقاحت که امروز به ثمر نشسته و انزوا، خمودگی و سردی را حاصل دارد.
جناب عیاری باید به شما بگویم در این استان هر ساله به صورت منظم و مستمر، در زمان مقرر و بدون وقفه با حضور پر شور مخاطبان عام و خاصش، جشنواره ای گیرا و پویا برگزار شده، (البته به همان رویداد هنری در این استان هم نقدهای جدی وارد است) چرا که هنر نمایش در این استان ریشه، پدر، مادر، صاحب و بزرگانی دارد که عمرشان برقرار و ریشه هاشان ضخیم تر باد و این درست عکس سینمای این استان است، سینمای این استان نه صاحب و بزرگتری دارد و نه حتی دلسوزی ما نیز میدانیم سینمای این استان غم زده در حال فرو پاشیست .

مولفِ خانه ی پدری، در این استان هر سینماگری که اندک رشدی کند، غم غربت را به جان خریده و نهایتا به مرکز میکوچد و به قدری رنجیده خاطر است که حتی جرأت ندارد پشت سر مبارکش هم نگاهی بیندازد، بسیاری به شخص بنده اعتراض وارد آورده که فیلمساز باید فیلمش را بسازد و درگیر حواشی نباشد، عیاریِ عزیز مگر میشود در این شرایط بغرنج و مرداب گون، یکه و تنها اثری تولید کرد؟ با کدام روحیه، حال و حوصله ؟ جنابِ عیاری گناه ما چیست که طاقتِ رنجِ غربت نداشته و مایل به کوچ نیستیم؟
خالقِ اثرِ فاخرِ بودن یا نبودن، شما به ما بگویید بودن بِه است یا نبودن؟ خاصه در بهار شیراز ...بگذریم.
و اما جشنواره ی دهم فیلم کوتاه شیراز که قصد آن دارند تا دوره ی یازدهمش منطقه ای برگزار گردد، با وجود اینکه امروز شاهدیم که نفس های آخرش هم به شمارش افتاده، جلوی چشمانمان در حال احتضار است و کاری هم جز بیانیه دادن از ما ساخته نبوده و نیست و گمان میبرم نخواهد بود .
مولفِ اثرِ فاخرِ تنوره ی دیو و شبهِ کژ دُم، جناب عیّاری چه توقعی باید داشته باشیم که تالار قریب به هزار نفره ی حافظِ شیراز در اختتامیه ی دهمین دوره ی جشنواره ی فیلم کوتاهش که به قدری مبالغ جوایز اهدایی اش ناچیز و دلسرد کننده بوده است که از بردن میزانش شرم داشته اند، شمارِ حاضرینش از شصت _ هفتاد نفر تجاوز نکرده و حتی اکثر برندگان و آن هایی که در بخش مسابقه اثری داشتند، حاضر نشدند از تفریحاتِ آخر هفته ی خود صرف نظر کرده و به فرستادن نماینده ای برای گرفتن چندین جایزه از دهمین دوره ی جشنواره ای انحصار زده، منفعل، بی ثبات، ولگرد و ناکارآمد به روی سِن، بسنده کنند .
بله جنابِ عیّاری ما نیز همانند شما وحشت زده ایم از این جمعیتِ قلیل .

عیّاری جان چه توقعی از شوق و شور جشنواره خواهیم داشت زمانیکه حتی یک خبرنگار از مطبوعات چه دولتی چه خصوصی برای پوشش خبری این رسانه حاضر نشده و اصلا تبلیغاتی چه در سطح شهر و چه در فضای مجازی برای این جشنواره صورت نگرفته است .
کارگردانِ مستند شاخصِ تازه نفس ها، نفسمان در حال بند آمدن است، رمقی نمانده ولی هنوز کور سوی امیدی داریم تا برای تک به تکِ آثار حاضر در بخش مسابقه ی جشنواره، ضمن تحملِ دیدنِ تک تکِ آثار نه چندان دلکشش، هر شب قریب به سه تا چهار ساعت زمان با همیاریِ یکی دوستان صرف کرده تا نقدهایی در حدِ توان و اندک سواد سینمایی خود نوشته و چه دشنام، دشمن تراشی و فحش ها از طرف دوستان نصیب خود کرده ولی به جز یک یا دو رسانه ی شریف و مستقل و البته غیر دولتی، هیچ خبرگزاری حاضر نشد که به پوشش خبری آن ها بپردازد، چرا؟ چرا که ما از طرف دایره ی سینمایی بایکوت شده ایم، علت؟ زیرا آزادمنشانه و بی پروا واقعیت ها را منعکس و منتشر کرده و هرگز دستمال به دست بودن را یاد نگرفته و از

احدی حمایت مالی و حتی معنوی نمیشویم.
کارگردانِ فیلمِ فاخرِ کاناپه باید به شما بگویم قریب به پونزده اثر که با پولِ کارگری و شرافتمندانه تولید شده و عمومِ آن ها برگزیده ی جشنواره های ملی و منطقه ای فیلم کوتاه شده اند، برای این جشنواره ارسال کرده و حتی یکی از آن ها منتخب این دوره نشده و متاسفانه به دست شما نرسید تا به قضاوتشان بنشینید.
گواهِ این حرف را میتوانید از برنده ی بهترین مستند این دوره یعنی مستند کوتاه ییلاق سرد به کارگردانی مشترک محمدحسین فلاح زاده و محسن دانشور استنباط کنید، آن گاه که مستندساز دغدغه مند این استان یعنی محمد حسین فلاح زاده پس از گرفتن جایزه ی بهترین مستند از این جشنوا ه چنین میگوید: امیدوارم در دوره های بعد جشنواره بدون غرض ورزی و بدون فیلتر کردن دیدگاه های مختلف دست به انتخاب آثار زده.
من افتخار این جایزه را تقدیم میکنم به آن هایی که آثارِ خوبشان را به جشنواره فرستادند ولی نتوانستند در جشنواره به رقابت با سایر آثار بپردازند .
کارگردانِ سریالِ مردمی و فاخرِ روزگارِ قریب، همه ی ما واقفیم که روزگارِ غریبست ای نازنین مرد، اگر شما در سن هفتاد سالگی با کارنامه ی شریف و محترمی که در بَر دارید دل سوخته از این شرایطید ما نیز در عنفوانِ جوانی از بیدلان به حساب می آییم.
جناب عیاری خیلی مشتاقم شخصِ شما چند شب دیگر که کنسرت های مختلفی در همین تالار در حال اجراست پا به سالن گذاشته و جمعیت پر شور و هنردوست را ببینید. این استانِ هنرخیز و هنر پرور هنرمند نامی کم نداشته و ندارد. با جرأت باید بگویم رتبه ی اول در صادرات هنرمند به خارج از استانش را داشته است. شخصا نوباوگان و جوان هایی می بینم چه بسا آگاه تر، با بینش تر و البته مطالبه گر تر از سینماگرانِ نسلِ قبل .

کارگردانِ روز باشکوه، شخصا معتقدم با عبور از این شرایط اسفناک و حرکت به آن سویِ این دوزخِ آتش افروز و دو صد البته با حمایت و درایتِ جناب موسوی نژادیان معاونت هنری و سینمایی ارشاد فارس و جناب قانعی مدیر کل فرهنگ و ارشاد فارس، که شخصا به این دو عزیز امیدوارم، به آرزوهایمان بیدار باش داده تا بتوانیم در خانه ی پدری خود یعنی استان هنرپرورِ فارس، متعهدانه، متحدانه، همدلانه برای خروج از این بن بستِ کج و پیچِ سرما، تلاشی مضاعف داشته باشیم .
سایه تان بر سرِ ما و سینمای ایران مستدام باد.
۱۴۰۱/۳/۲۷ محمد ناصریراد، سینماگرِ کم رمقِ شیرازی